

دولت در آستانه یکی از حساس ترین تصمیم های اقتصادی؛
افزایش تدریجی قیمت بنزین یارانه ای به ۵ هزار تومان و بنزین آزاد به ۱۰ هزار تومان

سوخت در نقطه تصمیم

صفحه ۲

عکس از حسین ظهورند

در باره رونق بازار اجاره لباس که به پدیده تازه در اقتصاد توری تبدیل شده است

شیک پوشی
اجاره ای

اجاره لباس از ایده های عجیب به عادت روزمره بدل شده است؛ لباسی برای یک شب، یک عکس و یک خاطره

در روزگاری که قیمت لباس های مجلسی و عروسی به چند ده میلیون تومان رسیده، گروهی از مزون دارها با نگاهی تازه به بازار آمده اند. آنها به جای گالیه از رکود خرید، اجاره لباس را به استارتاپی خدماتی و اقتصادی بدل کرده اند و با شعار ساده «زیبا بپوش، کم بپرداز» بازاری تازه برای آنهایی که میان میل به مصرف لوکس و واقعیت تورم به دنبال راه سوم می گردند، پیدا کرده اند....

همین صفحه

محدودیت های قانونی خروج زنان از کشور، باعث شکل گیری ازدواج های صوری، صیغه موقت و راه های پر خطر برای عبور از مرز بدل شده است

شوهران کرایه ای

با وجود وعده های اصلاح قانون، هنوز بسیاری از زنان برای خروج از کشور به ازدواج های صوری و خطر ناک پناه می برند

صفحه ۶

روایت

در باره رونق بازار اجاره لباس که به پدیده تازه در اقتصاد توری تبدیل شده است

شیک پوشی اجاره ای

صدای مشتریان

پریسا، ۳۰ ساله و کارمند است. او می گوید: قبلا برای هر عروسی دنبال لباس جدید بودم، ولی الان دیگه نمی صرفه. لباس اجاره می کنم و عکس می گیرم. او می گوید بارش مهم نیست بقیه بداند لباسش اجاره ای است یا نه. از طرفی برای بعضی دیگر، اجاره لباس هنوز تابو است. بهار ۲۶ ساله، یکی دیگر از مشتریان می گوید: مامانم هنوز باور ندارد لباس عروس اجاره ای باشد فکر می کند شان خانواده پایین می آید.

صدای جامعه شناسان

احمد فخیم، ۲۸ ساله کارشناس ارشد علوم اجتماعی، این پدیده را به ظهور طبقه متوسط فقیر نسبت می دهد. طبقه ای که زبان خارجی بلد است، باسبک زندگی جدید آشناست و آن را می خواهد. در انتهای دهه هفتاد شکل گرفت و در لایف استایلش مهمانی رفتن و ظاهر آراسته بخشی از هویت شده است اما حالا این آدم نمی تواند هر بار لباس تازه بخرد. ممکن است مدتی این فرآیند لباس اجاره کردن را پنهان کنند اما از جایی به بعد در مهمانی ها از هم می پرسند که «لباست را از کجا و چند اجاره کردی؟» او معتقد است: این روند با ارزش افزوده در میان است. درواقع یک صنعت اقتصاد اشتراکی فرق دارد، چون پای نگاه و حفظ آن پیدا کرده است. اجاره لباس با وسایل لوکس، نوعی مصرف لوکس با تعریف شده است. سازگاری فرهنگی با تورم، نه تسلیم در برابر آن. در نبود آمار رسمی، برآوردهای میدانی نشان می دهد در ایران بیش از ده ها پیچ و مزون فعال اجاره لباس وجود دارد. بیشترین تقاضا مربوط به مراسم نامزدی، عروسی و عکاسی پرتره است. در حالی که پوشیدن لباس های گران قیمت هنوز بخشی از نمایش اجتماعی طبقه متوسط است، حالا اجاره آن لباس ها خود به نوعی نمایش هوشمندانه تبدیل شده است. شاید در اقتصاد امروز، شیک پوشی قسطنی، طبیعی ترین واکنش به گران شدن رویاها باشد.

گزارش

ذخایر عظیم مس ایران در انتظار برنامه ریزی بلندمدت و بهره برداری بهینه برای توسعه صنعتی مس گران تر از همیشه

به دلیل وسعت بالا و ذخایر مطمئن، یکی از نقاط استراتژیک برای افزایش تولید و صادرات مس محسوب می شود. فعال سازی کامل میدوک می تواند تاثیر مستقیم بر تأمین نیاز صنایع داخلی، افزایش صادرات و درآمد ارزی داشته باشد. در کنار میدوک، معدن مس خوناگه در شهرستان دنا با ذخیره حدود ۲۷۰ هزار تن و عیار دو تا سه درصد مس، به دلیل کمبود سرمایه گذاری و عدم توجه مسئولان، همچنان غیرفعال باقی مانده است. بسیاری از پروانه های معدن مس در استان کرمان نیز به نام افراد یا شرکت هایی ثبت شده اند که تاکنون هیچ بهره برداری نداشته اند و این فرصت بزرگ برای توسعه صنعتی و اشتغال زایی از دست رفته است. معدن سرچشمه در کرمان، یکی از مهم ترین معادن مس ایران و دومین معدن روباز جهان است. این معدن به دلیل ذخایر عظیم و امکانات زیرساختی مناسب، ظرفیت تولید بالایی دارد اما تحلیل ها نشان می دهند که ذخایر فعلی آن در دهه آینده کاهش خواهد یافت و لازم است برنامه ریزی دقیق برای توسعه فازهای جدید و بهره برداری بهینه از ذخایر باقیمانده انجام شود. ذخایر سرچشمه علاوه بر اهمیت اقتصادی، نقش مهمی در اشتغال و توسعه منطقه ای دارند و مدیریت صحیح آن می تواند تاثیر مستقیم بر توسعه اقتصادی کرمان و کشور داشته باشد.

ضرورت اقدامات عملی برای بهره برداری

برای بهره برداری بهینه از ذخایر مس ایران، لازم است اقدامات جدی در سطح سیاست گذاری و سرمایه گذاری انجام شود. فعال سازی معادن غیر فعال و سرمایه گذاری در پروژه های بهره برداری می تواند تولید مس را افزایش دهد و با ایجاد فرصت های شغلی در مناطق مختلف کشور، به توسعه متوازن اقتصادی کمک کند. جذب سرمایه گذاران خارجی و ارائه مشوق های مناسب، از جمله تضمین حمایت قانونی و مالی، می تواند منابع مالی و فناوری لازم برای بهره برداری از معادن را فراهم کند. استفاده از فناوری های نوین در فراوری و استخراج مس نه تنها بهره دوری را افزایش می دهد بلکه هزینه های تولید را کاهش داده و امکان رقابت در بازارهای جهانی را فراهم می کند. توجه ویژه به بهبود زیرساخت های حمل و نقل، از جمله جاده، ریل و تجهیزات بارگیری، باعث می شود هزینه انتقال مواد معدنی کاهش یابد و صادرات به بازارهای جهانی ساده تر و کم هزینه تر انجام شود. افزایش قیمت جهانی مس و فشار صنایع مصرف کننده در ایران ضرورت دارد تا برنامه ریزی بلندمدت برای مدیریت منابع و ذخایر انجام شود. بدون یک برنامه جامع و هماهنگ، خطر کاهش تولید و افزایش وابستگی به واردات

تولد آقای خاص والیبال

مروری بر همه حواشی زندگی ورزشی و شخصی سعید معروف

صفحه ۸

گزارش هفت صبح از بانک های که به جای حمایت از تولید به برج سازی روی آورده اند

بانک ها، ملاکان تورم ساز

صفحه ۲

پدیده شاعران اینستاگرامی در ادبیات امروز ایران

شعردر عصر اسکرول

نسل تازه ای از شاعران در اینستاگرام ظهور کرده اند؛ جوانانی که دفتر شعرشان صفحه مجازی است و خواننده شان یک فالوئر

صفحه ۵

روایت بی پرده از ماجرای بازرسی کیف وزیر راه و شهرسازی در فرودگاه اردبیل

صحنه رویارویی قدرت و قانون

مدیرکل فرودگاه های اردبیل عزل شد. سرعت صدور حکم به قدری بالا بود که حتی کارکنان فرودگاه همان شب از تغییر مدیر خود مطلع شدند

صفحه ۳

گفت وگو با پیمان خاکسار «مترجم»

مترجم خوب لزوما مترجم وفادار نیست

ترجمه پلی است میان دو زبان که تنها با درک روح نویسنده پابرجا می ماند

صفحه ۵

گزارش

ذخایر عظیم مس ایران در انتظار برنامه ریزی بلندمدت و بهره برداری بهینه برای توسعه صنعتی مس گران تر از همیشه

به دلیل وسعت بالا و ذخایر مطمئن، یکی از نقاط استراتژیک برای افزایش تولید و صادرات مس محسوب می شود. فعال سازی کامل میدوک می تواند تاثیر مستقیم بر تأمین نیاز صنایع داخلی، افزایش صادرات و درآمد ارزی داشته باشد. در کنار میدوک، معدن مس خوناگه در شهرستان دنا با ذخیره حدود ۲۷۰ هزار تن و عیار دو تا سه درصد مس، به دلیل کمبود سرمایه گذاری و عدم توجه مسئولان، همچنان غیرفعال باقی مانده است. بسیاری از پروانه های معدن مس در استان کرمان نیز به نام افراد یا شرکت هایی ثبت شده اند که تاکنون هیچ بهره برداری نداشته اند و این فرصت بزرگ برای توسعه صنعتی و اشتغال زایی از دست رفته است. معدن سرچشمه در کرمان، یکی از مهم ترین معادن مس ایران و دومین معدن روباز جهان است. این معدن به دلیل ذخایر عظیم و امکانات زیرساختی مناسب، ظرفیت تولید بالایی دارد اما تحلیل ها نشان می دهند که ذخایر فعلی آن در دهه آینده کاهش خواهد یافت و لازم است برنامه ریزی دقیق برای توسعه فازهای جدید و بهره برداری بهینه از ذخایر باقیمانده انجام شود. ذخایر سرچشمه علاوه بر اهمیت اقتصادی، نقش مهمی در اشتغال و توسعه منطقه ای دارند و مدیریت صحیح آن می تواند تاثیر مستقیم بر توسعه اقتصادی کرمان و کشور داشته باشد.

ضرورت اقدامات عملی برای بهره برداری

برای بهره برداری بهینه از ذخایر مس ایران، لازم است اقدامات جدی در سطح سیاست گذاری و سرمایه گذاری انجام شود. فعال سازی معادن غیر فعال و سرمایه گذاری در پروژه های بهره برداری می تواند تولید مس را افزایش دهد و با ایجاد فرصت های شغلی در مناطق مختلف کشور، به توسعه متوازن اقتصادی کمک کند. جذب سرمایه گذاران خارجی و ارائه مشوق های مناسب، از جمله تضمین حمایت قانونی و مالی، می تواند منابع مالی و فناوری لازم برای بهره برداری از معادن را فراهم کند. استفاده از فناوری های نوین در فراوری و استخراج مس نه تنها بهره دوری را افزایش می دهد بلکه هزینه های تولید را کاهش داده و امکان رقابت در بازارهای جهانی را فراهم می کند. توجه ویژه به بهبود زیرساخت های حمل و نقل، از جمله جاده، ریل و تجهیزات بارگیری، باعث می شود هزینه انتقال مواد معدنی کاهش یابد و صادرات به بازارهای جهانی ساده تر و کم هزینه تر انجام شود. افزایش قیمت جهانی مس و فشار صنایع مصرف کننده در ایران ضرورت دارد تا برنامه ریزی بلندمدت برای مدیریت منابع و ذخایر انجام شود. بدون یک برنامه جامع و هماهنگ، خطر کاهش تولید و افزایش وابستگی به واردات

قیمت مس در بازار جهانی در حال افزایش است و روند افزایشی آن تأثیرات قابل توجهی بر صنایع مصرف کننده مس در ایران گذاشته است. در اکتبر ۲۰۲۵، قیمت مس در بورس فلزات لندن به ۱۰۸۵۰ دلار در هر تن رسید و نسبت به ماه گذشته رشد ۷.۴ درصدی را نشان داد. کارشناسان بازار معتقدند که این افزایش قیمت ناشی از رشد تقاضای جهانی، به ویژه در چین و نگرانی ها از کاهش عرضه است و احتمالا روند صعودی خود را در سال های آینده نیز حفظ خواهد کرد. افزایش بهای مس، صنایع الکترونیک، خودروسازی و تولید کابل در ایران را تحت فشار قرار داده است و تولید کنندگان برای مقابله با این افزایش هزینه ها، مجبور شده اند قیمت محصولات خود را افزایش دهند. برخی تولید کنندگان نیز با کاهش سودآوری روبه رو شده اند و این وضعیت رقابت پذیری صنعت ایران در بازارهای جهانی را تحت تأثیر قرار داده است.

فشار بر صنایع مصرف کننده در ایران
صنایع مصرف کننده مس، از جمله تولید کنندگان کابل، لوازم الکترونیک و خودروسازی، بیشترین فشار را از افزایش قیمت مس تجربه می کنند. افزایش هزینه تولید باعث شده تا برخی شرکت ها قیمت محصولات خود را بالا ببرند و برخی دیگر کاهش سودآوری را تجربه کنند. این شرایط بر برنامه ریزی بلندمدت را برای تولید کنندگان دشوار کرده و تأثیر مستقیم بر رقابت پذیری محصولات ایرانی در بازارهای جهانی و همچنین قدرت خرید مصرف کنندگان داخلی گذاشته است. افزایش هزینه تولید، علاوه بر فشار اقتصادی بر صنایع، بر سرمایه گذاری و توسعه فناوری در این بخش ها نیز تأثیر منفی گذاشته است و ضرورت توجه جدی به مدیریت منابع و برنامه ریزی بلندمدت را پررنگ می کند.

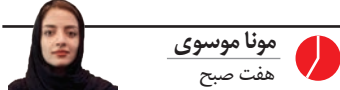
ذخایر مس ایران و ظرفیت های مغفول
ایران با داشتن ذخایر عظیم مس، پتانسیل بالایی برای توسعه این صنعت دارد. معدن مس میدوک با ذخیره قطعی ۷۳۳.۵ میلیون تن یکی از بزرگ ترین معادن ایران به شمار می رود. موقعیت جغرافیایی میدوک در استان کرمان، دسترسی نسبی به زیرساخت های حمل و نقل و بازارهای داخلی و خارجی را فراهم کرده و این معدن



دولت در آستانه یکی از حساس ترین تصمیم های اقتصادی؛ افزایش تدریجی قیمت بنزین یا رانه ای به ۵هزار تومان و بنزین آزاد به ۱۰ هزار تومان

سوخت در نقطه تصمیم

دولت با طرح هشت مرحله ای قصد دارد ناترازی شدید بازار بنزین را از طریق اصلاح تدریجی قیمت والگوی مصرف کاهش دهد



مونا موسوی
هفت صبح

در آستانه اجرای یکی از حساس ترین اصلاحات اقتصادی کشور یعنی سوخت قرار داریم هرچند زمان دقیق آن هنوز مشخص نیست، اما وقتی دولت با انتشار جزئیات طرح جامع اصلاح ناترازی بنزین، مسیر جدیدی را برای مدیریت مصرف سوخت و کاهش فشار مالی ناشی از یارانه های انرژی ترسیم کرده است یعنی اجرای آن قریب الوقوع است. هر چند در ظاهر، تمرکز این برنامه بر سیاست های غیرقیمتی است، اما تحلیل روندها و ساختار طرح نشان می دهد که در گام نهایی، افزایش قیمت بنزین اجتناب ناپذیر خواهد بود احتمالا با نرخ هایی در محدوده ۵ هزار تومان برای بنزین دولتی و ۱۰ هزار تومان برای بنزین آزاد این طرح اجرایی می شود.

اصلاح تدریجی با پایان قیمتی

بر اساس گزارش رسمی، دولت هفت گام مقدماتی را برای اصلاح ناترازی بنزین تعریف کرده است که همگی بر تغییر الگوی مصرف، نوسازی ناوگان و تنوع بخشی به سید سوخت تمرکز دارند. این گام ها شامل جایگزینی CNG با بنزین، اسقاط خودروهای فرسوده، توسعه حمل و نقل ریلی، هدفمند کردن سهمیه سوخت حمل و نقل عمومی، تشویق به استفاده از سوخت های پاک، بازنگری در سهمیه بندی خودروهای شخصی و تغییر سید تولید و واردات خودرو است.

اما در انتهای این مسیر، گام هشتم افزایش قیمت بنزین و گازوئیل قرار دارد. این گام، اگرچه به عنوان آخرین مرحله معرفی شده، در واقع نقطه تعیین کننده ای است که می تواند کل طرح را از منظر مالی و اجرایی به سرانجام برساند. با توجه به اینکه یک سال پیش رئیس جمهور گفته بود قیمت بنزین ۵۰ هزار تومان است و ما به عنوان دولت یارانه سنگینی برای آن پرداخت می کنیم افزایش قیمت آن قطعی است، البته در آن زمان قیمت دلار در بازار آزاد در محدوده ۶۰ هزار تومان بود و الان رشد قابل توجهی داشته است.

بنابراین ناترازی شدید میان قیمت تمام شده و قیمت فروش بنزین و همچنین فشار فزاینده بر بودجه عمومی شده است، سید اسماعیل

حسینی، عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی گفته ۳۰۰ تا ۵۰۰ درصد افزایش می یابد، در بهترین حالت منجر می شود که قیمت به سطحی نزدیک به ۵ هزار تومان برای بنزین یارانه ای و ۱۰ هزار تومان برای بنزین آزاد برسد، البته این محتمل ترین سناریوی پیش رو بر مبنای سخنان کارشناسان و نمایندگان مجلس است. البته نایب نماینده جبهه پایداری مجلس شورای اسلامی اعلام کرده دولت قرار است نرخ سوم بنزنی را ۱۵ هزار تومان اعلام کند.

اثر تورمی افزایش قیمت بنزین

برآوردهای اولیه نشان می دهد که افزایش قیمت بنزین می تواند بین ۲ تا ۴ واحد درصد به تورم سالانه اضافه کند، بسته به نحوه اجرای طرح و میزان پوشش حمایتی دولت. این اثر تورمی از دو مسیر شکل می گیرد: نخست، اثر مستقیم بر شاخص قیمت مصرف کننده (CPI) از طریق افزایش قیمت سوخت و خدمات حمل و نقل؛ دوم، اثر غیرمستقیم از طریق افزایش قیمت کالاها و واسطه ای و نهایی که در زنجیره تولید و توزیع از سوخت استفاده می کنند. اگر دولت نتواند یارانه حمل و نقل عمومی و باری را حفظ کند، یا در اجرای گام های مقدماتی ناکام باشد، این اثر تورمی می تواند تشدید شود و به نارضایتی اجتماعی و فشار بر طبقات کم درآمد منجر شود. در مجموع، افزایش قیمت بنزین اگرچه از منظر اقتصادی و بودجه ای ضروری به نظر می رسد، اما بدون طراحی دقیق سیاست های جبرانی، اصلاحات ساختاری در حمل و نقل، و نظارت بر بازار کالاها و خدمات، می تواند به موجی از تورم انتظاری و واقعی منجر شود. موفقیت این اصلاح، در گرو اجرای همزمان سیاست های حمایتی، نظارتی و زیرساختی است نه صرفا افزایش عددی قیمت.

چرا ۵ و ۱۰ هزار تومان؟

برآوردهای کارشناسی نشان می دهد که قیمت تمام شده هر لیتر بنزین در شرایط فعلی، با احتساب هزینه های تولید، پالایش، حمل و نقل و توزیع، به بیش از ۱۰ هزار تومان می رسد. در حالی که بنزین سهمیه ای با نرخ ۱۵۰۰ تومان و بنزین آزاد با نرخ ۳۰۰۰ تومان عرضه می شود، شکاف قیمتی میان هزینه واقعی و قیمت فروش، سالانه ده ها هزار میلیارد تومان بار مالی بر دوش دولت می گذارد.

افزایش نرخ بنزین دولتی به ۵ هزار تومان، ضمن حفظ یارانه نسبی برای مصرف کنندگان،

می تواند بخشی از این ناترازی را جبران کند. در مقابل، نرخ ۱۰ هزار تومان برای بنزین آزاد، به عنوان قیمت نزدیک به واقعیت اقتصادی، می تواند مصرف غیرضروری را کنترل کرده و انگیزه برای استفاده از سوخت های جایگزین مانند گاز را افزایش دهد. از طرف دیگر قیمت بنزین در هزینه حمل و نقل اثری ۲۰ درصدی دارد به همین دلیل دولت باید تلاش کند همچنان یارانه را برای حمل و نقل باری و عمومی را فعال نگه دارد تا جوش تورمی در این بخش رخ ندهد.

چالش های اجتماعی و الزامات اجرایی

اجرای این اصلاح قیمتی، بدون آماده سازی اجتماعی و زیرساختی، می تواند با موجی از نارضایتی عمومی و فشار تورمی همراه شود.

افزایش قیمت بنزین، آثار گسترده ای بر ساختار هزینه ای مشاغل، قیمت کالاها و شاخص های تورمی خواهد داشت. این اصلاح قیمتی، اگرچه با هدف کاهش ناترازی مالی دولت و کنترل مصرف سوخت طراحی شده، اما به طور مستقیم و غیرمستقیم بر زنجیره های تولید، حمل و نقل، خدمات و معیشت خانوارها اثر گذار خواهد بود

به همین دلیل، دولت تأکید کرده که پیش از برداشتن گام قیمتی، باید هفت مرحله مقدماتی را به طور کامل اجرا کند. اما تجربه های گذشته از جمله اجرای طرح هدفمندی یارانه ها در دهه ۹۰ نشان داده اند که اگر اصلاح قیمت بدون پوشش حمایتی، توسعه حمل و نقل عمومی و نوسازی ناوگان انجام شود، آثار منفی آن بر معیشت خانوارها و تورم عمومی اجتناب ناپذیر خواهد بود.

در واقع طرح جدید دولت برای اصلاح ناترازی بنزین، در ظاهر یک برنامه جامع و تدریجی است، اما در عمل، نقطه تمرکز آن بر اصلاح قیمتی حامل های انرژی است. با توجه به فشارهای بودجه ای، رشد مصرف و ناکارآمدی ساختار فعلی یارانه ها، افزایش قیمت بنزین به محدوده ۵ تا ۱۰ هزار تومان، نه تنها محتمل، بلکه ضروری به نظر می رسد. با این

گزارش ۱

وعده های رنگارنگ مسکن ملی، هنوز کلیدی برای درهای بسته خانه کارگران نیست!

خانه زدایی ملی



گروه اقتصادی | در حالی که اجاره بهای مسکن تا ۸۰ درصد حداقل حقوق کارگران را می بلعد، دولت همچنان از افزایش کمک هزینه مسکن طفره می رود. اختلاف نظر میان وزارت کار و تشکل های صنفی، ناکارآمدی طرح های ملی و تسهیلات بانکی غیرقابل دسترس، بحران مسکن کارگری را به یکی از جدی ترین چالش های اجتماعی و اقتصادی کشور تبدیل کرده است. بحران مسکن کارگران در ایران به یکی از جدی ترین چالش های اجتماعی و اقتصادی تبدیل شده است؛ بحرانی که ریشه در تورم افسارگسیخته، افزایش بی رویه قیمت ها و ناکارآمدی سیاست گذاری های حمایتی دارد. در شرایطی که افسار کم درآمد با دشواری های روزافزون در تأمین نیازهای اولیه زندگی مواجه اند، مسکن به عنوان اصلی ترین مولفه معیشتی، فشار مضاعفی را بر کارگران وارد کرده است. بررسی های میدانی و گزارش های غیررسمی نشان می دهد که در کلان شهرهایی مانند تهران، کرج، مشهد و شیراز، اجاره بهای یک واحد مسکونی معمولی گاه تا ۸۰ درصد از حداقل حقوق کارگران را می بلعد نسبتی که عملا امکان تأمین سایر نیازهای ضروری را از این قشر سلب کرده و آنان را به سمت مشاغل دوم و سوم سوق داده است. این وضعیت نه تنها کرامت انسانی را خدشه دار کرده، بلکه بهره وری نیروی کار را نیز به شدت کاهش داده است.

واکنش مسئولان به درخواست افزایش حق مسکن کارگری

در واکنش به این بحران، احمد مبدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، اعلام کرده که به جای افزایش حق مسکن کارگری، سایر ردیف های حداقل مزد افزایش یافته اند. او تأکید کرده که سیاست وزارتخانه بیشتر بر گسترش مسکن کارگری متمرکز است و تصمیم گیری درباره افزایش کمک هزینه مسکن باید در شورای عالی کار انجام شود. این موضع گیری با واکنش تند سمیه گلیور، رئیس کانون عالی اتجمن های صنفی کارگران ایران، مواجه شد. گلیور با استناد به قانون مصوب سال ۱۳۷۰ مجلس شورای اسلامی، تأکید کرد که کمک هزینه مسکن کارگران باید سالانه توسط شورای عالی کار تعیین و به تصویب هیئت وزیران برسد و هیچ جایگزینی برای این حق قانونی پذیرفته نیست. او همچنین وزیر کار را به ترک فعل در تشکیل شورای عالی کار برای بیش از هفت ماه متهم کرده و خواستار پاسخ گویی فوری به وضعیت اسفناک معیشتی کارگران شده است.

در کنار این اختلافات، کارشناسان حوزه کار و رفاه اجتماعی نیز بر ناکارآمدی طرح های ملی مانند «مسکن ملی» و عدم دسترسی کارگران به تسهیلات بانکی تأکید دارند. نر به بالا و اسقاط سنگین، عواملی تسهیلات را از دسترس کارگران خارج کرده و به جای حمایت، به مانعی برای خانه دار شدن آنان تبدیل شده است. در چنین شرایطی، فعالان کارگری خواستار اقدام فوری دولت در زمینه تأمین مسکن کارگران هستند. پیشنهادهایی مانند ساخت مسکن های استیجاری دولتی، پرداخت یارانه مسکن، افزایش سهمیه کارگران در طرح های ساخت و ساز ملی و بازنگری در میزان حداقل دستمزد متناسب با هزینه واقعی زندگی، از جمله مطالباتی هستند که بارها مطرح شده اند اما تاکنون پاسخ موثری دریافت نکرده اند.

با توجه به نقش حیاتی کارگران در چرخ اقتصاد کشور، تأمین سرپناه امن و در شان این قشر زحمتکش باید در اولویت سیاست گذاری های اقتصادی و اجتماعی قرار گیرد. در غیر این صورت، ادامه وضعیت فعلی می تواند منجر به گسترش فقر، افزایش نارضایتی اجتماعی و کاهش بهره وری نیروی کار شود پیامدهایی که نه تنها معیشت کارگران، بلکه ثبات اقتصادی کشور را نیز به طور جدی تهدید خواهد کرد.

اقدامات کشورهای دیگر برای مسکن کارگران

در مقایسه با وضعیت فعلی کارگران در ایران، تجربه کشورهای دیگر نشان می دهد که تأمین مسکن برای نیروی کار، نه تنها یک مسئولیت اجتماعی دولت هاست، بلکه بخشی از راهبردهای کلان برای حفظ بهره وری، کاهش فقر و تقویت ثبات اقتصادی محسوب می شود. در بسیاری از کشورها، پرداخت یارانه مسکن، طراحی نظام های اجاره حمایتی و تخصیص سهمیه های ویژه برای کارگران در پروژه های ملی مسکن، به عنوان سیاست های ثابت و موثر دنبال می شود.

برای نمونه، در آلمان، دولت با همکاری اتحادیه های کارگری و شهرداری ها، پروژه های مسکن اجتماعی را برای افسشار کم درآمد از جمله کارگران اجرا می کند. این واحدها با اجاره های کنترل شده و یارانه ای در اختیار متقاضیان قرار می گیرند و بخش قابل توجهی از هزینه های مسکن را کاهش می دهند. همچنین، در فرانسه، کمک هزینه مسکن (APL) به صورت ماهانه به خانوارهای کم درآمد پرداخت می شود و میزان آن بر اساس درآمد، تعداد اعضای خانواده و محل سکونت تعیین می گردد.

در کشورهای اسکندناوی مانند سوئد و دانمارک، سیاست های مسکن کارگری بخشی از نظام رفاه اجتماعی است. دولت ها نه تنها در ساخت مسکن های مقرون به صرفه مشارکت دارند، بلکه از طریق بانک های دولتی و تعاونی های مسکن، تسهیلات بلندمدت با بهره پایین برای خرید یا اجاره مسکن در اختیار کارگران قرار می دهند.

در کره جنوبی، برنامه هایی مانند «مسکن برای جوانان و کارگران» با هدف کاهش فشار اجاره ها و تسهیل دسترسی به خانه های کوچک و استاندارد طراحی شده اند. این برنامه ها شامل پرداخت یارانه اجاره، تضمین وام های مسکن، و تخصیص واحدهای دولتی با اولویت کارگران هستند.

حتی در کشورهای در حال توسعه مانند هند و برزیل، دولت ها با اجرای طرح های نظیر «خانه برای همه» یا «مسکن اجتماعی»، تلاش کرده اند تا کارگران شهری را از حاشیه نشینی و سکونت در مناطق غیرایمن نجات دهند. در این کشورها، مشارکت بخش خصوصی در ساخت مسکن ارزان قیمت با حمایت مالی دولت، یکی از راهکارهای کلیدی بوده است.

این تجربه ها نشان می دهند که تأمین مسکن برای کارگران، صرفا یک مطالبه صنفی نیست، بلکه یک ضرورت اقتصادی و اجتماعی است. در ایران نیز، اگر دولت به جای تعویق در پرداخت حق مسکن و ترک فعل در سیاست گذاری، به طراحی یک نظام چندلایه حمایتی برای مسکن کارگری اقدام کند شامل یارانه مستقیم، تسهیلات بانکی قابل دسترس و ساخت واحدهای استیجاری دولتی است. در حال حاضر مطالبه گری این است که بحران فعلی به فرصتی برای بازتعریف عدالت اجتماعی و ارتقای بهره وری نیروی کار تبدیل شود.



سمت فعالیت های مولد هدایت می شد مسیر اصلاحی که می تواند به بازگشت بانک ها به مأموریت اصلی خود و کاهش فشارهای تورمی منجر شود.

چرا بانک مرکزی در برابر انحراف منابع بانکی سکوت کرده است؟

با وجود انباشت هزاران میلیارد تومان دارایی ملکی در ترازنامه بانک ها و انحراف آشکار منابع از وظایف اصلی بانکداری، بانک مرکزی تاکنون برخورد موثری با این روند نداشته است. این سکوت، نه تنها موجب تعمیق بحران ناترازی در شبکه بانکی شده، بلکه به نوعی چراغ سبز برای ادامه فعالیت های غیرمولد و سوداگرانه بانک ها در بازار ملک تلقی می شود.

در حالی که قانون بودجه سال ۱۴۰۲ صراحتا بانک ها را ملزم به انتشار اطلاعات اموال غیرمنقول کرده، گزارش های رسمی نشان می دهد برخی بانک ها از ارائه آمار خودداری کرده اند و برخی دیگر نیز با اعلام قیمت های واقعی، عملا شفافیت را دور زدند. با این حال، بانک مرکزی به جای اعمال ضمانت اجرایی یا برخورد انضباطی، صرفا به انتشار فهرست ناقص و غیرقابل اتکایی از دارایی های ملکی بسنده کرده است.

این انفعال از چند زاویه قابل تحلیل است:

وابستگی ساختاری و تعارض منافع: بسیاری از بانک های بزرگ کشور، به ویژه بانک های دولتی، در ساختار حاکمیتی و تصمیم سازی اقتصادی نقش دارند. برخورد با آن ها نیازمند اراده ای فراتر از نظارت فنی است اراده ای که در شرایط فعلی، تحت تأثیر ملاحظات

درباره بانک هایی که به جای حمایت از تولید به برج سازی روی آورده اند

بانک ها، ملاکان تورم ساز

گزارش بانک مرکزی نشان می دهد بیش از هزار همت از دارایی های بانکی در قالب املاک را کد نگهداری می شود و به اقتصاد مولد باز نمی گردد

آزاد کلهر |

سال هاست گرفتار ناترازی مالی هستند و تعهدات وام های تکلیفی را به خوبی اجرا نمی کنند، تازه ترین گزارش بانک مرکزی نشان می دهد بخش قابل توجهی از سرمایه های بانک های فاقد نرخ کفایت سرمایه مناسب، نه در خدمت تسهیلات دهی، بلکه در بازار املاک و مستغلات بلوکه شده است. بر اساس داده های رسمی، ارزش روز دارایی های غیرمنقول بانک ها تا پایان شهریور ۱۴۰۴ از مرز هزار همت عبور کرده است عدد بی سابقه که در سال های اخیر با

وجود وعده و وعیده رئیس کل بانک مرکزی برای برخورد با بانک های ناتراز نه تنها کاهش نیافته، بلکه نسبت به سال گذشته نیز رشد داشته است. این روند نشان می دهد این قبیل بانک ها به جای ایفای نقش تأمین مالی تولید، به بازیگران تورم ساز بازار ملک تبدیل شده اند. در واقع، ورود گسترده بانک های «بی کفایت» به بازار املاک نه تنها موجب افزایش قیمت ها و تشدید تورم ملکی شده، بلکه منابعی را که باید صرف تسهیلات دهی و حمایت از بخش های مولد اقتصاد می شد، به دارایی های راکد و غیرمولد تبدیل کرده است. این در حالی ست که بانک ها باید منابع خود را به سمت تسهیلات دهی، حمایت از تولید و تأمین مالی بخش های مولد اقتصاد هدایت کنند. اگر همین سرمایه ها به جای خرید و نگهداری املاک، وارد چرخه خدمات بانکی می شد، بخش بزرگی از ناترازی مالی بانک ها قابل اصلاح بود و نقش واقعی بانک ها در توسعه اقتصادی کشور احیا می شد.

انحراف از مأموریت و تهدیدی برای اقتصاد ملی

پدیده ملاکی بانک ها، که بارها مورد انتقاد رهبر معظم انقلاب نیز قرار گرفته، نه تنها اصلاح نشده بلکه به مرحله بحرانی تری رسیده است. انباشت دارایی های سمی، کم کاری در تسهیلات دهی و سودجویی از تورم ملکی، همگی نشان دهنده انحراف بانک ها از مأموریت اصلی خود هستند. تا زمانی که سرمایه های بانکی در املاک راکد باقی بماند، نه تنها ناترازی اصلاح نخواهد شد، بلکه اعتماد عمومی به نظام بانکی نیز بیش از پیش آسیب خواهد دید.

تناقض آماری و غیبت نظارت موثر

بررسی جزئیات گزارش بانک مرکزی نشان می دهد برخی بانک ها از ارائه اطلاعات دقیق خودداری کرده اند. بانک سپه و بانک پاسارگاد برای دومین فصل متوالی هیچ آماری منتشر نکرده اند و برخی دیگر ارزش صدها فقره از املاک خود را تنها یک ریال اعلام کرده اند. اقدامی که عملا آمار رسمی را بی اعتبار کرده و نشان دهنده نبود نظارت موثر از سوی نهاد ناظر است.

در مواردی دیگر، بانک ها اطلاعات نادرست



بازار ترجمه ادبی در ایران شرایط متفاوتی دارد؛ از نظر اقتصادی، مخاطب، سانسور و انتشار از دید شما وضعیت فعلی ترجمه در ایران چگونه است و چه راهکارهایی برای حمایت بیشتر از مترجمان پیشنهاد می‌کنید؟

راستش در جایگاهی نیستم که بخواهم در باره مسائل مثلاً سانسور، انتشار کتاب یا حمایت‌های کلان توصیه کنم. من فقط یک مترجمم که در گوشه‌ای از این حوزه کار می‌کنم و با تمام مشکلات و چالش‌هایی که گفتید دست و پنجه نرم می‌کنم. واقعیت این است که همه این مسائل بسیار پیچیده‌اند و من واقعاً نمی‌دانم چه راه‌حلی می‌تواند داشته باشد. البته معتقدم قانون کیپی رایت باید به طور جدی رعایت شود، سانسور نباید باشد و دست مترجم باید باز باشد؛ یعنی مترجم بتواند آزادانه و بدون نگرانی از هر اثری که می‌خواهد ترجمه کند.

گفت‌وگو با پیمان خاکسار «مترجم»

مترجم خوب لزوماً مترجم وفادار نیست

● ترجمه پلی است میان دو زبان؛ پلی که تنها با درک روح نویسنده پابر جا می‌ماند

فاطمه بزرویی
هفت صبح

وقتی به سراغ کتاب‌های ترجمه شده می‌روی، مخصوصاً اگر طرفدار نویسنده‌های خارجی باشی فرقی نمی‌کند ادبیات روسیه باشد یا انگلیس و فرانسه یکی از اولین چیزهایی که به آن توجه می‌کنی، نام مترجم است. برای یک کتابخوان محدودیت‌ها و فشارهای مالی. یک مترجم خوب، کسی است که بتواند زبان و معنای اثر را به گونه‌ای منتقل کند که خواننده نتواند کتاب را زمین بگذارد و غرق داستان شود. کار مترجم فقط انتقال ساده کلمات نیست؛ آنها باید ظرافت‌های زبان را حفظ کنند و همزمان به متن اصلی وفادار بمانند. همه اینها در کنار ویرایش دقیق و مدیریت زمان، کاری است که به مهارت و تجربه زیادی نیاز دارد. ترجمه مثل پلی است که ادبیات را به زبان‌های دیگر وصل می‌کند، اما این پل تنها وقتی پایدار می‌ماند که مترجم بتواند حس و حال نویسنده را به خواننده منتقل کند. در ادامه، با پیمان خاکسار درباره ترجمه صحبت می‌کنیم. پیمان خاکسار از سال ۱۳۸۵ به ترجمه روی آورد و ابتدا به پیشنهاد دوستانش ترجمه اشعار بوکوفسکی را شروع کرد و با استقبال خوبی مواجه شد. خاکسار بعدتر سراغ نویسندگان کمتر شناخته شده در ایران رفت و کتاب‌های مهمی مثل «اتحاد به ابلهان» و «جزء از کل» را ترجمه کرد. ترجمه او از «اتحاد به ابلهان» در سال ۱۳۹۱، در میان مترجمان و نویسندگان، به عنوان بهترین ترجمه انتخاب شد.

شما از ابتدا ترجمه شعر را شروع کردید و به تدریج وارد ترجمه رمان شدید. چه نقطه عطفی یا تجربه‌ای باعث شد این مسیر برایتان شکل بگیرد؟

حقیقت این است که ترجمه شعر، نخستین تجربه من در زمینه ترجمه بود؛ اما این به معنای علاقه زیاد به شعر نبود. علاقه اصلی‌ام به خود اشعار بوکوفسکی بود و به همین دلیل ابتدا سراغ ترجمه شعر رفتم. پس از آن، تمرکز و علاقه‌ام بیشتر به سمت رمان و ادبیات داستانی

و به عنوان بهترین ترجمه انتخاب شد.

تغییر کرد. در مورد شعر بوکوفسکی باید بگویم که به نظرم شعر او معنای کلاسیک شعر را ندارد. خودش گفته دوست دارد شعر را از معنای همیشگی و سنتی‌اش تهی کند و به زبان روزمره و محاوره‌ای نزدیک شود؛ زبانی که در سطح کوچه و بازار هم قابل فهم و تأثیرگذار باشد. من هم این ویژگی را خیلی دوست داشتم و به همین دلیل سراغ ترجمه آثار او رفتم. اگر شاعر دیگری بود، احتمالاً اولین ترجمام شعر نمی‌شد.

شعر در عصر اسکرول

شاعران اینستاگرامی؛ شورش کلمه در قاب مربع

گروه فرهنگ و هنر | در روزگاری که همه چیز در چند ثانیه مرور می‌شود، شعر هم لباس تازه‌ای پوشیده است. صفحات بی‌شمار اینستاگرامی پر شده‌اند از جمله‌های کوتاه و دل‌نوشته‌هایی که در ظاهر ساده‌اند اما تپش شعر در آنها جریان دارد. جوانانی از نسل دیجیتال، قلم به دست گرفته‌اند و در قاب تلفن همراه، احساساتشان را با میلیون‌ها کاربر شریک می‌شوند. این نسل تازه، دیگر برای چاپ مجموعه شعر در صف ناشران نمی‌ایستد؛ کافی است کلمه‌ای را پست کند و ببیند چند نفر با آن احساس مشترک دارند.

شعر در جریان محتوا گم می‌شود، درست مانند برگ‌ی در سیل تصویر.

شعر یا کپشن؟

مسئله دیگر در این موج، وابستگی شعر به تصویر است. بسیاری از کاربران به عکسی واکنش نشان می‌دهند که جمله‌ای احساسی زیرش نوشته شده، بی‌آنکه آن جمله را به عنوان شعر بخوانند. متن در خدمت عکس قرار می‌گیرد. گاهی هم شعر به ابزاری برای تزئین سلفی‌ها و منظره‌ها تبدیل می‌شود. این تغییر ماهیت، از یک سو مرز شعر را گسترش داده و از سوی دیگر، آن را در معرض فراموشی زبانی قرار داده است. به نتیجه، بسیاری از چهره‌های پرطرفدار در فضای مجازی در جهان واقعی ادبیات جای محکمی ندارند. شعرهایشان در کتابفروشی‌ها نیست، در حافظه جمعی هم نمی‌ماند. محبوبیتشان به سرعت بالا می‌رود و با همان سرعت فروکش می‌کند؛ مثل شعری که در استوری ناپدید می‌شود.

فرصتی در دل آشوب

با وجود این آسیب‌ها، حضور شاعران اینستاگرامی را می‌توان نشانه‌ای از پویایی شعر دانست. در روزگاری که ارتباط انسانی کم‌رنگ شده، همین چند سطر می‌تواند جرعه‌ای از همدلی باشد. شعر کوتاه در دنیای دیجیتال یادآور نیاز همیشگی انسان به گفت‌وگوست. اگرچه مسیرش متفاوت شده، اما انگیزه‌اش همان است؛ میل به بیان احساس. چالش امروز، یافتن تعادلی تازه است؛ میان آزادی و کیفیت، میان سرعت و تفکر. شاعر شبکه‌ای اگر بتواند از هیاهوی

لایک جای نقد

در کنار آزادی، چالش تازه‌ای پدید آمده است: نبود ویرایش و داوری حرفه‌ای. شعرها بدون بازبینی منتشر و به سرعت بر اساس تعداد لایک قضاوت می‌شوند. موفقیت، با میزان واکنش سنجیده می‌شود نه دقت زبانی. در این بازار شلوغ، هر کسی می‌تواند شاعر شود و همین دسترسی آسان گاه به انباشت جمله‌های بی‌رسمی انجامیده است. این چرخه تند نوشتن و پست کردن، شاعر را از تأمل دور می‌کند. او به جای پرورش زبان، به فکر دیده شدن است. هر

فرهنگ و هنر

| روزنامه صبح ایران | سال پانزدهم | شماره ۲۱۷۷ | دوشنبه | ۲۸ مهر | ۱۴۰۴ |

رعایت نشدن قانون کیپی رایت در صنعت نشر ایران به هیچ وجه نمی‌تواند صرفاً یک فاجعه ساده تلقی شود و یکی از بزرگ‌ترین آسیب‌هایی است که این حوزه را درگیر خود کرده است. متأسفانه، مالکیت اثر به درستی رعایت نمی‌شود و این موضوع باعث می‌شود که یک کتاب یا رمان در بازار

چندین ترجمه با کیفیت‌های متفاوت از خوب و بد گرفته تا متوسط داشته باشد. این وضعیت باعث سردرگمی خواننده می‌شود، چرا که نمی‌داند کدام ترجمه را انتخاب کند و به دنبال بهترین نسخه بگردد. این آسیب بزرگ، دست مترجمان را نیز بسته و برنامه‌ریزی درست برای ترجمه یک اثر را به شدت مختل می‌کند. گاهی حتی پیش می‌آید که پیش از اتمام یک ترجمه، سه یا چهار ترجمه دیگر از همان اثر وارد بازار شده‌اند که این مسئله به اعتبار اثر و مترجم لطمه می‌زند و باعث بی‌نظمی و آشفتگی در صنعت نشر می‌شود.

جمله‌ای وجود دارد که می‌گوید «مترجم خوب، مترجمی است که پولدار است». نظر شما درباره این دیدگاه چیست؟

راستش جمله‌ای که می‌گوید «مترجم خوب، مترجم پول‌دار است» برای من تازگی دارد و قبلاً چنین تعبیر یا دیدگاهی نشنیده بودم. شاید معنای ضمنی این جمله این باشد که مترجم خوب کسی است که آثاری را ترجمه می‌کند که فروش خوبی دارند. طبیعتاً هدف هر مترجمی هم همین است؛ یعنی ترجمه آثاری که مخاطب داشته باشند و بتوانند در بازار موفق باشند.

آیا تاکنون به کارگردانی، نویسندگی یا فعالیت‌های دیگر حوزه ادبی فکر کرده‌اید تا علاوه بر ترجمه، در تولید ادبی هم مشارکت داشته باشید؟

من تحصیلات دانشگاهی‌ام در حوزه سینما بوده و سال‌ها به عنوان تدوینگر فیلم فعالیت کردم. در این مسیر، تجربه‌های فراوانی به دست آوردم و حتی چندین جایزه از جشنواره فجر در زمینه تدوین دریافت کرده‌ام. فعالیت‌هایم در حوزه سینما بسیار گسترده بوده و به تدریج علاقه‌ام به نویسندگی و ترجمه هم شکل گرفت. بنابراین، برخلاف تصور برخی که فکر می‌کنند مسیرم از ترجمه به سینما بوده، باید بگویم مسیر زندگی حرفه‌ای من دقیقاً برعکس است؛ ابتدا در سینما فعالیت داشتم و سپس به دنیای ترجمه وارد شدم.

آیا پروژه ترجمه‌ای در آینده دارید که در حال انجام آن باشید؟

امروزه به دلیل رعایت نشدن قانون کیپی رایت در ایران، تقریباً هیچ مترجمی به صراحت اعلام نمی‌کند که مشغول ترجمه چه اثری است. من هم اگر پروژه‌ای داشته باشم ترجیح می‌دهم این موضوع را علنی نکنم. حدود دو هفته پیش کتابی ترجمه کردم که چاپ شده به نام «سگ‌های پوشالی تاملاتی درباره انسان‌ها و سایر حیوانات». این کتاب از آن آثار جذاب و خاصی است که خودم شخصاً خیلی به آن علاقه‌مندم و با اشتیاق ترجمه‌ش کردم و امیدوارم مخاطبان هم آن را دوست داشته باشند.

مرزهای شیشه‌ای

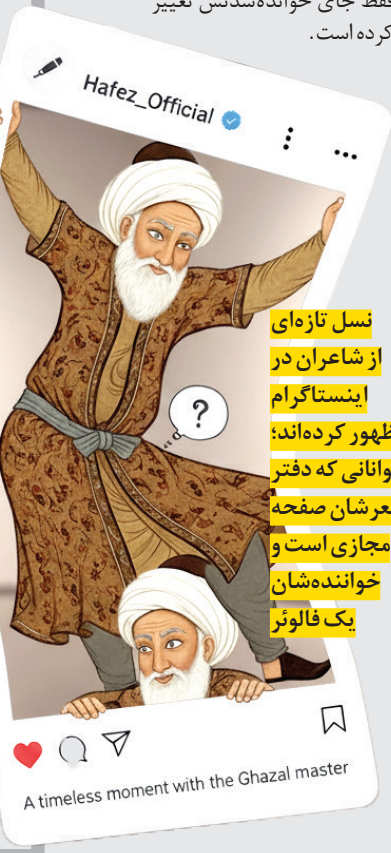
نقد گم‌شده و زیبایی‌شناسی سرعت

پدیده «شاعران اینستاگرامی» چیزی فراتر از صرفاً تغییر ابزار انتشار است؛ این یک جابه‌جایی عمیق در ساختار نظارتی ادبیات است. در نظام سنتی نشر، هر شعر باید از فیلترهای سختی چون داوری‌های ادبی، نقد منتقدان و تأیید ناشران می‌گذشت. این روند، گرچه کند و انحصارگرایانه بود، اما تضمین‌کننده حداقل کیفیتی در زبان و اندیشه محسوب می‌شد.

اما اینستاگرام با برچیدن این دیوارها، شعر را وارد یک بازار آزاد لحظه‌ای کرد. در اینجا، مخاطب عام، که الزاماً دانش ادبی ندارد، با کلید «لایک» نقش منتقد، داور و سردبیر را همزمان ایفا می‌کند. این جابه‌جایی، به جای «نقد دقیق»، «تشویق سریع» را نشانده. موفقیت، نه از طریق دقت زبانی و ساختار فرمی، که با پذیرش حسی و عاطفی سنجیده می‌شود. از منظر زیباشناسی دیجیتال، شعر اینستاگرامی غالباً مجبور است خود را به قالبی کوتاه، تصویری و شتاب‌زده تقلیل دهد. شعر سپید، که ذاتاً بر کشف و تعلیق عمیق بنا شده، در اینجا به «جمله‌واره‌های عمیق‌نما» تبدیل می‌شود. شاعر می‌داند که برای دیده شدن در میان انبوه محتوا، باید در همان نگاه اول، حس مخاطب را بگیرد؛ این یعنی حذف لایه‌های پیچیده، ارجاعات عمیق و بازی‌های زبانی. شعر، به جای کشف جهان، به بازتاب احساسات رایج می‌پردازد تا نرخ اشتراک‌گذاری‌اش بالا برود.

بزرگ‌ترین تهدید در این میان، فراموشی آرشو است. شعر کلاسیک و نیمایی در کتابخانه و حافظه شفاهی می‌ماند، اما شعر اینستاگرامی در موج استوری‌ها و پست‌ها غرق می‌شود. این شعرها، فاقد سنگینی و صلابت لازم برای انتقال به نسل‌های بعدی هستند و ماندگاری‌شان به بقای خود پلتفرم وابسته است. از این رو، گرچه اینستاگرام شاعران زیادی ساخته، اما چالش اصلی‌ما این است: آیا این شاعران، «آثار ماندگار» خلق خواهند کرد یا صرفاً «محتوای محبوب»؟

لایک‌ها فاصله بگیرد و به درون برگردد، شاید همان جایی برسد که شعر همیشه از آن آغاز شده: تجربه شخصی و ناب انسان. جهان تغییر کرده اما نیاز به کلمه هنوز پابرجاست. شاعر امروز، وارث همان شوق کهن است که از دل تاریکی حرف می‌زند؛ به این تفاوت که دفترش حالا نور گوشی است و دفتر شعرش صفحه‌ای در فضای مجازی. شعر همچنان زنده است، فقط جای خوانده شدنش تغییر کرده است.



نسل تازه‌ای از شاعران در اینستاگرام ظهور کرده‌اند؛ جوانانی که دفتر شعرشان صفحه مجازی است و خواننده‌شان یک فالوئر

کتاب در دست سلبریتی

نقد در تبعید

در سلبریتی‌سازی، ادبیات تنهاتست صدای منتقدان در میان فیلترها گم می‌شود

بابک نبی
دبیر فرهنگ و هنر

«نقد ادبی»، یک هنر شریف است؛ یک گفت‌وگوی بی‌پرده با روح نوشته، که کارش تشخیص الماس از خرده‌شیشه است. این فرآیند، یک وظیفه اخلاقی در برابر خواننده است؛ وظیفه‌ای که باید پیچیدگی‌های یک رمان یا شعر را به زبانی شیوا و استدلالی، برای مخاطب باز کند و او را به سطح بالاتری از درک برساند. نقد، حکم همان استاد سخت‌گیری را داشت که هر چند حضورش کمی ترسناک بود، اما شاگردانش را به اوج دانش می‌رساند. اما ظاهراً، دوران استادان سخت‌گیر به پایان رسیده است. امروز، رسانه‌ها از هر جنس، یک پیام واحد بر ما ارسال می‌کنند: «شرین باشید و آسان بخوانید!» چه در برنامه‌های پر زرق‌وبرق VOD که گویی دکور برنامه پر محتوای کتاب‌ها سایه می‌اندازد، چه در یادگست‌هایی که برای جلوگیری از حوصله‌سر رفتگی، هر پنج دقیقه یکبار با صدای قهقهه پر می‌شوند و چه در صفحات اینستاگرام که نویسنده را با زاویه فتونیک نمایش می‌دهند، نقد اصیل غایب است.

آنچه در این بازار مکاره، جای نقد تخصصی را گرفته، یک «مهمانی معرفی» است که با سخاوت تمام، درهایش را به روی همه باز کرده. سلبریتی، بازیگر، بلاگر و هر کس که تعداد دنبال‌کننده‌اش رقمی قابل توجه باشد، با یک لیخنه ملیح، کتابی را بالا می‌گیرد و می‌گوید: «دوستان، زندگی من با خواندن این کتاب زیرورو شد!» این جملات، مثل یک کلید جادویی عمل می‌کنند. خواننده، بدون اینکه کلمه‌ای از تحلیل ساختاری یا ایدئولوژی متن بشنود، ترغیب به خرید می‌شود. در این بزم، هیچ کس دلش نمی‌خواهد کام مخاطب را با حرف‌های جدی تلخ کند؛ همه دنبال حال خوب و فروش خوب هستند.

چالش اصلی در ماهیت پلتفرم‌ها نهفته است. دنیای مجازی، به سرعت و سادگی پاداش می‌دهد. نقد عمیق، به دلیل ماهیت چندلایه و طولانی‌اش، با قوانین جنگل الگوریتم‌ها سازگاری ندارد. نقد، مخاطب را مجبور به توقف و تعمق می‌کند، حال آنکه این پلتفرم‌ها، او را به تماشای کلیپ بعدی تشویق می‌کنند. اگر یک منتقد متعهد بیاید و بگوید: «این رمان، از منظر پسا-ساختارگرایی دچار فلان ضعف روایی است»، مخاطب می‌گوید: «بخشید، وقت ندارم!» اما وقتی گفته می‌شود: «این کتاب، قشنگ‌ترین عاشقانه سال است»، هزاران نفر دکمه «خرید» را می‌زنند. پیامد این افعال، یک لطیفه تلخ است: امروز، میزان دیده شدن، حکم عیار ادبی را دارد. ناشران و نویسندگان، خیلی زود فهمیده‌اند که سرمایه‌گذاری بر تبلیغات پر زرق‌وبرق، سودمندتر از سال‌ها کار روی عمق محتوا است. با حذف منتقد از گردونه، کیفیت آثار افت می‌کند، زبرا دیگر مرجعی وجود ندارد تا نگاهی کارشناسانه، برچسب «ناصحیح» بر روی آثار ضعیف بزند. ما به جایی رسیده‌ایم که رسانه، به جای یک ابزار روشنگر برای سنجش عیار واژه، تبدیل به ویتترین بزرگ یک کتاب‌فروشی شده است. این وضعیت، یک تهدید جدی برای بلوغ فکری و فرهنگی جامعه است. برای نجات ادبیات از این ورطه، باید فضایی دوباره برای صدای منتقدان جسور و آگاه فراهم کرد؛ صدایی که شاید تلخ باشد، اما حکم دارو را دارد.



محدودیت‌های قانونی خروج زنان از کشور، باعث شکل گیری ازدواج‌های صوری

صیغه موقت و راه‌های پر خطر برای عبور از مرز قانون شده‌است

شوهران کرایه‌ای

ترفندی برای خروج از کشور

با وجود وعده‌های اصلاح قانون، هنوز بسیاری از زنان برای خروج از کشور به ازدواج‌های صوری و خطرناک پناه می‌برند

مریم قاسمی
هفت صبح

خروج زنان مطلقه، برخی از زنان متاهل و دختران مجرد از ایران، سال‌هاست که عملاً به یک مسئله اجتماعی پیچیده تبدیل شده. این در حالی است که حتی اصلاحات قانونی اخیر در مورد قانون خروج زنان گذشته زنان بالای ۱۸ سال و مطلقه نیازی به اذن سرپرست خود نداشتند اما براساس قوانین جدید حتماً اجازه سرپرست یا «ولی» و «قیم» قانونی برای خروج از کشور الزامی است. موضوعی که باعث شده تا زنان حتی برای درمان یا شرکت در مسابقات ورزشی یا شرکت در رویدادهای علمی یا زبارت و حتی ادامه تحصیل در دانشگاه‌های خارجی مجبور باشند تن به راهکارهای غیرقانونی و بعضاً خطرناکی بدهند. راهکارهای غیرمعتارفی مانند ازدواج‌های صوری و صیغه‌ای، پناه بردن به دام پاندهای مخوف خروج انسان و... تصور کنید در آستانه تحقق بزرگترین آرزوی زندگی‌تان ایستاده‌اید؛ پذیرش از دانشگاهی بین‌المللی، فرصتی شغلی در نقطه‌ای دور دست یا حتی شانس برای درمانی که نجات‌بخش است. اما بین شما و این آرزو، نه یک کوه سخت که دیواری نامرئی قد علم کرده است؛ دیواری به نام «اذن» یا « اجازه» خروج از کشور. اجازه‌ای که در صورت تجرد حتماً باید از پدر یا «قیم» گرفته شود یا در صورت تاهل از شوهری که نفس‌های آرزوی تورا با قدرت خود خفه می‌کند. در این برهوت ناامیدی، چه می‌کنی؟ می‌نشینی و چشم به راه معجزه می‌داری؟ یا راهی را در پیش می‌گیری که جامعه به تو نمی‌آموزد اما در سایه‌ها و پج‌پج‌ها جریان دارد؟

کشور نیاز داشت و زمان، برایش حکم زندگی را داشت اما شوهر معتمدش، سال‌ها بود که ترکش کرده بود و هیچ اثری از او نبود. دادگاه هم روند خیلی طولانی برای اثبات «غیبت شوهر» پیش پای او گذاشته بود اما پزشکش با جدیت گفته بود: «پروانه، دیگر وقت زیادی نداری، اگر زودتر عمل نشوی میمیری.»

این ناامیدی بود که او را به سمت یک آگهی در گوشه‌ای از یک کافه سوق داد؛ «خروج سریع و بی‌حاشیه از کشور، تضمینی.» با شماره‌ای که زیر آگهی نوشته بود تماس گرفت و با مردی صحبت کرد که صدایی آرام اما قاطع داشت. او خود را «مسافرپر» معرفی کرد و قول داد ظرف چند ساعت پروانه را از راه‌های صعب‌العبور اما امن، به آن سوی مرز برساند. هزینه گزافی را طلب کرد؛ تمام پس‌انداز سالیانه پروانه به اضافه طلاهای مادر.

به او گفتند فردا شب، بسا پول و جواهرات در نقطه مشخصی در حاشیه شهر حاضر شوند. پروانه با یک چمدان کوچک و قلبی لرزان، خود را به محل می‌رساند. ناگهان، صدای موتورهایی از دور به گوش می‌رسد. قلب پروانه تندتر می‌زند. اما به جای نجات، سه موتورسوار با چهره‌هایی خشن از راه می‌رسند. یکی از آنان، بی‌هیچ مقدمه، کیف پول و جواهراتش را از چنگش بیرون می‌آورد، پروانه خیلی فریاد می‌زند، اما فقط با خنده‌ای تحقیرآمیز مواجه می‌شود. آن مرد، فقط می‌گوید: «خانم، اینجا آخر خط است، برو به سلامت. ما کارمان را کردیم.» و بعد، سوار بر موتورها ناپدید می‌شوند و پروانه را تنها، در تاریکی مطلق، با دستانی خالی و قلبی شکسته رها می‌کنند. او از ترس به خود می‌لرزید، ناچار می‌شود ساعتی پیاده‌روی کند تا به جاده اصلی برسد و با التماس از راننده یک ماشین عبوری بخواهد که او را

می‌انبری به نام «صیغه موقت» می‌گذرد، به «صیغه‌های موقت» ختم می‌شود و با «آجاره نام مردی غریبه» به پایان می‌رسد. اینجا، قصه؛ داستان پرواهایی قفل شده است؛ روایت زنانی که برای آنکه بال بگشایند، ناگزیرند بخشی از وجود خود را در پای همان قفس قربانی کنند. اینجا، مرز میان حق و جرم محو شده و راه نجاتی که به راه زندان جدیدی می‌پیوندد.

روایت اول- آوا و کایوس تحصیل
برای «آوا» پذیرش دانشگاهی در اروپا، موهبتی بود که سال‌ها برایش تلاش کرده بود. اما پدرش، سداره او شد؛ نه برای مخالفت با تحصیل که برای نشان دادن قدرتش در بین فرزندان. «باید همین جا بمانی» این تنها پاسخ او بود. مدتی بعد از همه جا ناامید، برای خلاصی از اذن پدر، به فکر راه دیگر افتاد، یعنی ترتیب دادن یک ازدواج صوری فقط به دلیل کسب اجازه خروج، ماجرابی که تا آخرین لحظه برای خانواده‌اش مخفی ماند، به توصیه دوستش، با «سعید» آشنا شد. مردی که قبول کرده تا در ازای ۷۰ میلیون تومان، برای مدت کوتاهی همسر صوری او شود و فقط بر که اجازه خروج از کشور را امضا کند و همین هم شد. آوا حالا در فرودگاه، منتظر پرواز است، به دستاش خیره می‌شود و با خودش می‌گوید: «چه هزینه گرانی برای رسیدن به آرزوی درس خواندن در خارج پرداختم؟ من که می‌خواستم یک دانشجوی باشم، نه یک منتقلب.»

روایت دوم- پروانه و راهی کج برای درمان
«پروانه»، به یک عمل جراحی تخصصی در خارج از



وی با ذکر اینکه براساس مشاهدات عینی، در سال‌های اخیر به نظر می‌رسد که آمار مواردی که زنان به خاطر خروج از کشور تن به صیغه موقت شدن داده‌اند، بیشتر و بیشتر می‌شود تاکید می‌کند: «عادی‌سازی چنین روابطی، بنیان خانواده را متزلزل می‌کند و سرمایه‌های اخلاقی جامعه را به نابودی می‌کشد. به تعبیر دیگر این مسیر از یک سو، ارزش‌های اخلاقی و معنوی مانند ازدواج، به یک معامله پولی تقلیل می‌یابد و از سوی دیگر، بی‌اعتمادی عمومی به قوانین و نهادهای حاکمیتی افزایش پیدا می‌کند. این مسئله یک تهدید جدی برای سرمایه اجتماعی کشور محسوب می‌شود و زنگ خطری برای تمامیت اجتماعی زنان کشور ماست.»

❖ وعده تسهیل مسیر قضایی
در حالی که روایت‌های روزمره از موانعی برای زنان به نام «اجازه خروج» حکایت می‌کند، سید کاظم دلخوش، سخنگوی سابق کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی، در پاسخ به شائبه‌های مطرح شده در باره طرح الزام دریافت اجازه خروج همه زنان از «سرپرست» و استثناهای موجود، به «هفت‌صبح» می‌گوید: «اگر چنانچه بانوانی که باید برای خروج از کشور اذن بگیرند، با دلایل غیر موجه نتوانند این اجازه را دریافت کنند، باید از طریق مسیر قانونی اقدام کنند. البته براساس مصوبه اصلاح شده، پرونده آنها به صورت خارج از نوبت رسیدگی می‌شود تا بتوانند با حکم دادگاه اجازه خروج از کشور پیدا کنند».

این اظهارات، به‌طور مشخص بر ورود دادگاه به عنوان نهاد ناظر و حل‌کننده مشکل تاکید دارد و نمونه آن را می‌توان در مورد زنان ورزشکار دانست.

❖ نقش «وکالت‌نامه بلاعزل» و «رضایت‌نامه کتبی»
بر اساس آخرین اصلاحیه‌های قانونی خروج از کشور بانوان، اجازه همسر همچنان به عنوان شرط اصلی برای خروج زنان از کشور مطرح است؛ مگر آنکه در زمان عقد، شرط ویژه‌ای به صورت رسمی در عقدنامه درج شده باشد. این شرط می‌تواند در قالب وکالت‌نامه بلاعزل و از طریق دفتر خانه‌های اسناد رسمی ثبت شود. در این حالت، مرد به همسر خود اختیار می‌دهد تا بدون نیاز به دریافت مجوز مجدد، در هر زمان اقدام به سفر خارجی کند.

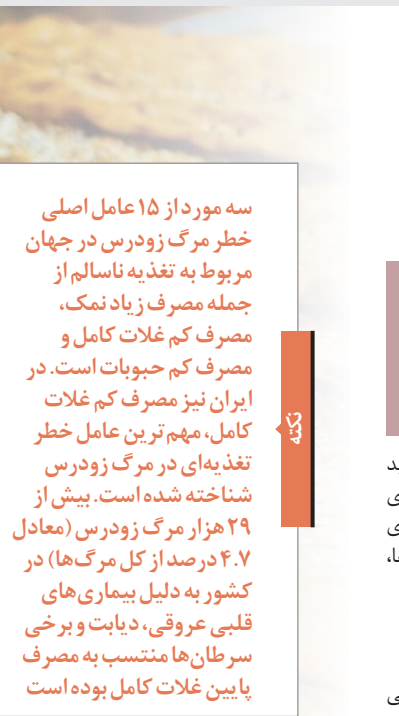
با این حال، در موارد خاصی مانند شرکت در رویدادهای علمی، ورزشی یا فرهنگی بین‌المللی، برخی زنان می‌توانند با تأیید دادستانی و بدون نیاز به اذن همسر، مجوز خروج از کشور دریافت کنند.

عبدالصمد خرمشاهی، حقوقدان و وکیل پایه یکم دادگستری در این رابطه به هفت‌صبح می‌گوید: «به طور

به شهر بازگرداند. و پروانه دست از پا دراز تر، دوباره به خانه برگشت اما نه پولی داشت، نه سلامتی و نه حتی امید. تنها چیزی که برایش باقی مانده، همان روند کند قضایی و صدای تیک‌تاک ساعتش است که بی‌امان به او یادآوری می‌کند زمان در حال اتمام است و او همچنان در انتظار معجزه‌ای است.

❖ هیچ وقت در پیچه‌های قانونی را نبندید
این چالش اما از منظر جامعه‌شناختی نیز تبعات بسیاری را به همراه دارد. علیرضا میرحسینی، جامعه‌شناس در گفت‌وگو با خبرنگار هفت‌صبح می‌گوید: «وقتی جامعه، در پیچه‌های قانونی را می‌بندد، شهروندان از پیچره‌های غیرقانونی وارد می‌شوند. این پدیده، یک «ناهنجاری سیستماتیک» است.»

❖ کلام آخر ...
در پایان می‌توان گفت اگرچه قوانین فعلی خروج زنان از کشور همچنان بر اساس اجازه همسر استوار است اما سازوکارهای حقوقی موجود - به ویژه شرط ضمن عقد و وکالت‌نامه بلاعزل - این امکان را فراهم می‌آورد که زنان بتوانند با برنامه‌ریزی و آگاهی حقوقی، محدودیت‌های پیش‌رو را پشت سر بگذارند. گرچه همچنان پیچ و خم‌های دادگاهی و قضایی باز هم زنان را بر آن می‌دارد تا از همان روش‌های قدیمی دور زند قانون استفاده کنند. این تحولات هر چند کافی نیست اما مسیری را نشان می‌دهد که با استفاده از ظرفیت‌های موجود قانونی می‌توان به تدریج به سمت تعادل بیشتر در حقوق زن و مرد حرکت کرد.



سه مورد از ۱۵ عامل اصلی خطر مرگ زودرس در جهان مربوط به تغذیه ناسالم از جمله مصرف زیاد نمک، مصرف کم غلات کامل و مصرف کم حبوبات است. در ایران نیز مصرف کم غلات کامل، مهم‌ترین عامل خطر تغذیه‌ای در مرگ زودرس شناخته شده است. بیش از ۲۹ هزار مرگ زودرس (معادل ۴.۷ درصد از کل مرگ‌ها) در کشور به دلیل بیماری‌های قلبی عروقی، دیابت و برخی سرطان‌ها منتسب به مصرف پایین غلات کامل بوده است

کلی، طبق قانون خروج زنان ایرانی مشروط به موافقت و اجازه شوهر است، مگر آنکه در عقدنامه شرطی مرتبط، مانند «حق خروج از کشور»، پیش‌بینی شده باشد. همچنین، نوع ازدواج (دائمی یا موقت)، تابعیت و وضعیت اقامتی زن نیز در این امر تأثیرگذار است. در صورت ثبت رسمی و شرط مربوطه در عقدنامه، زن می‌تواند بدون اخذ مجوز مجدد از همسر، از کشور خارج شود.»

به گفته این حقوق‌دان، انتخاب بین این دو گزینه «وکالت‌نامه بلاعزل» و «رضایت‌نامه کتبی» می‌تواند تأثیر مستقیمی بر استقلال سفر و امنیت حقوقی زنان داشته باشد. رضایت‌نامه اگرچه راهکاری ساده و فوری به نظر می‌رسد، اما به دلیل امکان لغو یک‌طرفه توسط شوهر، نمی‌تواند تضمین‌کننده حقوق بلندمدت باشد. در حالی که وکالت‌نامه بلاعزل، با ایجاد چهار چوبی محکم و رسمی، از حقوق زنان در سفرهای خارج از کشور پشتیبانی می‌کند.

❖ راه‌های خروج دختران زیر ۱۸ سال و بالای ۱۸ سال و زنان مطلقه
لیلی رحمتی، کارشناس حقوق زنان و خانواده به هفت‌صبح می‌گوید: «برای دختران مجرد زیر ۱۸ سال، خروج از کشور و حتی دریافت گذرنامه، منوط به اجازه محضری پدر یا قیم است و حتی رضایت مادر جایگزین آن نمی‌شود. همچنین در مورد دختران مجرد بالای ۱۸ سال، اگر چه برای دریافت گذرنامه به اجازه ولی نیاز ندارند اما پدر یا قیم می‌تواند با اختیار خود و طی مراجع قانونی، مانع خروج آنان از کشور شود.»

وی تصریح می‌کند: «برای بانوان مطلقه (زیر ۴۰ سال) نیز وضعیتی مشابه دختران مجرد دارند، اما با یک تفاوت کلیدی، حتی اگر بالای ۱۸ سال باشند، برای دریافت گذرنامه نیز به اجازه محضری پدر نیازمندند.»

رحمتی هم به استثناهای قانونی در این زمینه اشاره کرده و خاطرنشان می‌کند: «هرچند هنوز هم براساس قوانین، خروج بانوان متاهل از کشور منوط به اجازه کتبی همسر است، با این حال، در موارد استثنایی مشخص، این امکان بدون نیاز به اجازه شوهر فراهم می‌شود. مهم‌ترین این استثناهای عبارت‌اند از اقامت مشترک خارج از کشور یعنی هنگامی که زن و شوهر به طور قانونی مقیم خارج از کشور هستند. ازدواج یا اتباع خارجی، یعنی زنانی که با تبعه خارجی ازدواج کرده‌اند اما تابعیت ایرانی خود را حفظ کرده‌اند. در صورت داشتن مجوز رسمی برای عزیمت به حج تمتع، مطابق نظر شورای نگهبان. اگر اجازه خروج از کشور به عنوان شرطی در عقدنامه درج شده باشد. در صورتی که زن از شوهر خود وکالت رسمی و محضری برای خروج داشته باشد و در شرایط بسیار ضروری مثل درمان بیماری‌های صعب‌العلاج، البته با موافقت دادستان. اثبات هر یک از این شرایط مستلزم ارائه مدارک قانونی و رسمی مانند صفحه مربوط در عقدنامه، وکالت‌نامه محضری یا حکم دادستان، به مراجع ذی‌ربط است.

❖ کلام آخر ...
در پایان می‌توان گفت اگرچه قوانین فعلی خروج زنان از کشور همچنان بر اساس اجازه همسر استوار است اما سازوکارهای حقوقی موجود - به ویژه شرط ضمن عقد و وکالت‌نامه بلاعزل - این امکان را فراهم می‌آورد که زنان بتوانند با برنامه‌ریزی و آگاهی حقوقی، محدودیت‌های پیش‌رو را پشت سر بگذارند. گرچه همچنان پیچ و خم‌های دادگاهی و قضایی باز هم زنان را بر آن می‌دارد تا از همان روش‌های قدیمی دور زند قانون استفاده کنند. این تحولات هر چند کافی نیست اما مسیری را نشان می‌دهد که با استفاده از ظرفیت‌های موجود قانونی می‌توان به تدریج به سمت تعادل بیشتر در حقوق زن و مرد حرکت کرد.



می‌تواند این افزایش قیمت را تقبل کنند؟! این عوامل باعث شده تا به گفته امامی‌رضوی، رئیس دبیرخانه شورای عالی سلامت و امنیت غذایی تعداد کارخانه‌های تولیدکننده آرد کامل در کشور حدود ۸۰ کارخانه باشد. ضمن آنکه، آمار و ارقام بیانگر این است که ۶۰۰ نانوائی نیز نان کامل تولید می‌کنند. گرچه بنا بر ادعای وی، در کلان‌شهرهای کشور مانند شهر تهران که حدود ۹ میلیون نفر جمعیت دارد، حتی یک نانوائی نان کامل وجود ندارد.

به نظر می‌رسد نبود مشوق‌ها و حمایت‌های مالی از سوی دولت برای تولیدکنندگان آرد و نان کامل یکی از چالش‌های اساسی تولید این نوع نان در کشور است، ضمن آنکه عدم اولویت‌دهی به تولید نان سبوس‌دار و عدم اعطای مشوق‌ها به تولیدکنندگان آرد کامل، باعث شده است فرایند تولید نان کامل رشد نکند.

❖ تقابیل نانواها با نان کامل
نانوائی‌ها به دلیل دشواری تولید نان کامل، چندان تمایلی به پخت آن ندارند. چرا؟ چون به دلیل زمان‌بر بودن فرایند تخمیر نان سبوس‌دار و عدم امکان دکنر شهریار مستوفی کارشناس تغذیه، سه مورد از ۱۵ عامل اصلی خطر مرگ زودرس در جهان مربوط به تغذیه ناسالم از جمله مصرف زیاد نمک، مصرف کم غلات کامل و مصرف کم حبوبات است. در ایران نیز مصرف کم غلات کامل، مهم‌ترین عامل خطر تغذیه‌ای در مرگ زودرس شناخته شده است. بیش از ۲۹ هزار مرگ زودرس (معادل ۴.۷ درصد از کل مرگ‌ها) در کشور به دلیل بیماری‌های قلبی عروقی، دیابت و برخی سرطان‌ها منتسب به مصرف پایین غلات کامل بوده است. این در حالی است که نان‌های کامل، تا حدود زیادی نیاز بدن به غلات را تأمین می‌کنند.

نشان داده است که مصرف نان کامل باعث تسریع احساس سیری می‌شود و در نتیجه از بروز چاقی جلوگیری می‌کند. در اهمیت مصرف نان کامل همین بس که به گفته دکنر شهریار مستوفی کارشناس تغذیه، سه مورد از ۱۵ عامل اصلی خطر مرگ زودرس در جهان مربوط به تغذیه ناسالم از جمله مصرف زیاد نمک، مصرف کم غلات کامل و مصرف کم حبوبات است. در ایران نیز مصرف کم غلات کامل، مهم‌ترین عامل خطر تغذیه‌ای در مرگ زودرس شناخته شده است. بیش از ۲۹ هزار مرگ زودرس (معادل ۴.۷ درصد از کل مرگ‌ها) در کشور به دلیل بیماری‌های قلبی عروقی، دیابت و برخی سرطان‌ها منتسب به مصرف پایین غلات کامل بوده است. این در حالی است که نان‌های کامل، تا حدود زیادی نیاز بدن به غلات را تأمین می‌کنند.

❖ نانی که می‌تواند نقش دارو را داشته باشد
اما چرا برخی از کارشناسان مدعی‌اند که نان مصرفی مردم در ایران چندان که باید و شاید سالم نیست؟ در آسیب‌کردن گندم در ایران، سبوس که محتوی بیش از ۸۰ درصد مواد معدنی مفید برای سلامتی انسان است، از آرد جدا می‌شود و آرد سفید بدون ارزش غذایی بالا که خود زمینه‌ساز ابتلا به دیابت است، برای تولید نان به کار برده می‌شود.

در عوض نان «کامل»، به‌خاطر فیبر فراوان موجود در سبوس، محتوای پروتئینی قابل توجه (گلوتن) و نیز میزان زیاد کربوهیدرات نقش مهمی در تأمین بخشی از نیازهای بدن ایفا می‌کند. از منظر پزشکی؛ این نوع از نان به‌خاطر آنکه سرشار از فیبر است به بهبود فرایند هضم غذا و در نتیجه عملکرد دستگاه گوارشی بدن کمک می‌کند. از سویی مصرف نان کامل خطر ابتلا به بیماری‌های قلبی و دیابت نوع دوم را نیز کاهش می‌دهد زیرا مصرف فیبر کافی که در سبوس نان کامل موجود است، از تشکیل پلاک در دیواره رگ‌ها جلوگیری می‌کند ضمن آنکه به بهبود سطح کلسترول خوب (HDL) نیز کمک کرده و در نتیجه ابزاری برای تضمین سلامت قلب شهروندان است.

کاهش وزن نیز از دیگر شاخصه‌هایی است که مصرف نان کامل برای انسان به را مفان می‌آورد. تحقیقات





مر تضي فتونی زاده: پیشنهاد قطعه نام آوران ۲ را به مسئولان بهشت زهرا دادم

این غیبت قشنگ نبود علی آقا!

کرد. او بعد از فوتبال دچار یکسری مشکلات شد و این اواخر هم فقط سعید شیرینی کمکش می کرد. به هر حال جا دارد از حبیب کاشانی و حمید استیلی خیلی تشکر کنم که در این شرایط کمک حال خانواده شفقثیان شدند تا مراسم خاکسپاری آپرومندی بر گزار شود. هر چند متأسفانه قطعه نام آوران پر شده و پذیرای خدایبامرز منوچهر نشد. من خودم به حاج حبیب کاشانی و مسئولان بهشت زهرا پیشنهاد دادم قطعه شماره ۲ نام آوران را هم درست کنند تا قهرمانان و نام آوران کشورمان جایی برای آرامش در آن دنیا داشته باشند.»

مدافع اسبق پرسپولیس درباره شکست این تیم مقابل خیبر خرم آباد و وضعیت کنونی این تیم و وحید هاشمیان و جدایی رضا درویش نیز می گوید: «ساور کنید آنقدر حالم خراب است که اگر اجازه بدهید بعدا در این رابطه صحبت کنم. حال روحی ما خراب است و نتایج و بازی های پرسپولیس هم مزید بر علت شده و اصلانی دلم چه بگویم؟ انشاءالله سر فرصت مناسب صحبت خواهیم کرد.»

مر تضي فتونی زاده در مراسم خاکسپاری مر حوم منوچهر شفقثیان حرف های جنجالی علیه علی پروین زد. زنده یاد منوچهر شفقثیان دارفانی راوداع گفت و مراسم خاکسپاری آن مرحوم با حضور بستگان و تنی چند از همبازانش در بهشت زهرا بر گزار شد.مر تضي فتونی زاده مدافع پرسپولیس در دهه ۶۰ ضمن ابراز گلایه از غیبت علی پروین در این مراسم گفت: «اگر منوچهر شفقثیان پولدار بود،علی پروین هم می آمد!» این جمله در فضای مجازی به سرعت وایرال شد و در همین ارتباط مر تضي فتونی زاده به هفت صبح می گوید: «مگر حرف بدی زدم؟ از علی پروین انتظار می رفت در مراسم خاکسپاری مر حوم منوچهر شفقثیان شر کت کند. او همبازی ما و شاگرد علی آقا بود و حضور پروین می توانست تسلی خاطر همسر و پسر با شخصیت منوچهر خدایبامرز باشد.»

او ادامه می دهد: «هن نمی دلم روز پنجشنبه علی آقا کجا بوده؟ راسمر بوده یا کار واجب دیگری داشته که نیامده اما این غیبت قشنگ نبود. من همیشه حرفم را ر ک و پوست کنده می زنم و با کسی هم تعارف ندارم.»

فتونی زاده در خصوص ویژگی های منوچهر شفقثیان نیز گفت: «من خودم خدایبامرز منوچهر را از دارایی آوردم پرسپولیس و خاطرم هست یک دربی پشت سرم بازی کرد و عالی هم بازی

خبر ویژه

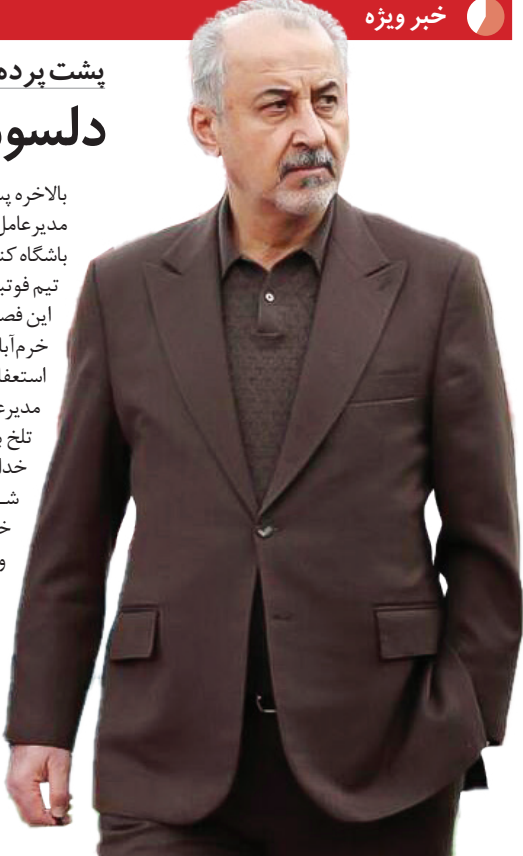
پشت پرده کناره گیری مدیرعامل باشگاه پرسپولیس

دلسوزانه نه! درویش مجبور به استعفا شد

و هوادارانش دارم. از همه هواداران عزیز، بازیکنان، اعضای کادر فنی، همکاران، اعضای محترم هیات مدیره و همچنین از دکتر احمدی و کنسرسیوم بانکی که در مسیر خدمت به باشگاه پرسپولیس یار و حامی ما بودند، صمیمانه سپاسگزارم. پرسپولیس برای من فقط یک نام نیست، بخشی از زندگی و هویتم است. امیدوارم این تیم محبوب، همیشه در اوج بماند و دل میلیون ها هوادار سرخ را شاد کند. با عشق و احترام، رضا درویش،

این در حالی است که شنیدیم رضا درویش اصلا تمایلی به استعفا نداشته و ترجیح می داد با اخراج وحید هاشمیان و قرارداد با یک سرمربی خارجی جدید باز هم به کار خود در این باشگاه ادامه دهد اما شنیدیم مدیران ارشد بانک شهر این بار دستوری به او اعلام کرده اند: استعفا بده یا اخراج می کنیم!

ظاهرا همین تهدید کافی بود تا رضا درویش که به شدت هم به مدیریت در باشگاه پرسپولیس علاقه مند است، دلسوزانه (به قول مدیرعامل بانک شهر) نه، بلکه از سر اجبار و دستور استعفا داده و جای خود را موقتاً به پیمان حدادی دهد!



بالاخره پس از کش و قوس های فراوان، رضا درویش مدیرعامل باشگاه پرسپولیس از سمت خود در این باشگاه کناره گیری کرد.

تیم فوتبال پرسپولیس در ادامه روند ناکامی های این فصل خود با نتیجه ۲ بریک نتیجه را به خیبر خرم آباد واگذار کرد تا رضا درویش ناچار به استعفا شود.

مدیرعامل باشگاه پرسپولیس بعد از این شکست تلخ با یک استسوری از هواداران پرسپولیس خداحافظی کرد. رضا درویش در صفحه شخصی خودش نوشت: «به نام خدا.

خداحافظی همیشه سخت است، مخصوصا وقتی با جمعی از صمیمی ترین همراهان زندگی ات روبه رو باشی. سال هایی که در کنار خانواده بزرگ پرسپولیس گذراندم، برایم پر از خاطره، تجربه و عشق بود؛ سال هایی که هر روزش با تلاش، امید و دلگرمی هواداران گذشت. امروز که تصمیم به کناره گیری گرفته ام، تنها یک مسئولیت را واگذار می کنم، نه عشقی را که با تمام وجود به پرسپولیس

یکی از دایی هایمان گفت کلاه بی غیرتی تان را بالاتر بگذارید. مادر تان با یک مرد غریبه معاشرت دارد و شما دست روی دست گذاشته اید.» متهم در ادامه گفت: «وقتی این را گفت من و رامین خیلی بافر و خته و عصبانی شدیم. حتی مادر بزرگ هم ناراحت بود و گریه می کرد و مادرم را نفرین می کرد. خیلی حس بدی به من و برادرم دست داده بود چون فکر می کردم حالا که دایی هایمان متوجه این موضوع شدند لابد بقیه اهل محل هم این موضوع را فهمیداند و آبرو برایمان نمانده است. در این میان فقط یکی از دایی هایمان سعی می کرد ما را آرام کند و می گفت دخالت نکنید اما بقیه به آتش خشم ما هیزم می ریختند. همان جا بود که تصمیم گرفتم مادرمان را که فکر می کردم برایمان کنگ نگ شده پاک کنیم. رامین به من گفت که من سابقه دار و تحت تعقیبم برای همین آب از سرم گذشته و خودم مامان را می کشم. ما روحمان هم خبر نداشت که مادرمان ازدواج کرده است چون با او زندگی نمی کردیم و فقط برادر کوچکتر مان با او زندگی می کرد که او هم چیزی به ما نگفته بود.» متهم در مورد روز حادثه گفت: «روز حادثه مطابق نقشه ای که از قبل داشتیم مقابل خانه مادرم رفتیم و به بهانه اینکه برادرم را به کافه ببرم او را از خانه خارج کردم. بعد رامین وارد خانه شد و قرار بود که او مادرمان را بکشد. حدود یک ساعت بعد از خانه بیرون آمد و به من گفت همسایه های مامان در خانه او بودند و موقعیت مناسب نبود. من خیلی عصبانی شدم و به او گفتم تو بی عرضه ای و از پس انجام دادن این کار برنیامدی. او هم گفت اگر می توانی خودت برو و من وارد خانه مادرم شدم. تا مادرم چشمش به من افتاد بی امان به او حمله کردم. به من التماس می کرد و من بی اعتنا به التماسش چندین ضربه به او وارد کردم. بعد هم از خانه بیرون دویدم و زنگ همسایه را زدم و به او گفتم به مادرم چاقو زده ام تا او جانش را نجات دهد. اما بعدا فهمیدم که مادرم تمام کرده و متواری شدم. رامین یک دختر نوجوان دارد که او در یک مهمانی در مورد مخفیگاه من حرف زده بود که همین باعث لو رفتن من شد.» بعد از شاهین نوبت به برادرش رامین رسید که از خود دفاع کند و او گفت: «من قصد کشیدن مادرم را نداشتم و روز حادثه فقط برای صحبت کردن با او به خانه اش رفتم. از او در مورد ارتباطش با مرد غریبه پرسیدم و او گفت ما حلال همدیگر هستیم و چون می دانستیم تو و برادرت دخالت می کنید موضوع را مخفی کردم. وقتی شنیدم ازدواج کرده خیلی عصبانی شدم و از خانه بیرون آمدم. موضوع را به شاهین گفتم و او گفت خودم کار را تمام می کنم. من به او گفتم این کار را نکن اما تصمیمش جدی بود و نمی توانستم او را منصرف کنم.»

قضات دادگاه بعد از شنیدن دفاعیات متهمان برای صدور رای وارد شور شدند.

پاشا زاده: استقلال باید به شرایط پایدار برسد

باید ژاپنی فکر کنیم!

اگر سامورایی ها به فینال جام جهانی رسیدند تعجب نکنید

بزرگسالان رسیدم. خدا منصور خان پورحیدری را رحمت کند. منصور خان هرگز اجازه نمی داد بابت پیروزی های معمولی شادی یا خوشحالی بیش از اندازه داشته باشیم و همیشه معتقد بودم پرستیز استقلال باید حفظ شود. من هم خوشحالم استقلال برد اما این تیم باید در نتیجه گرفتن و جدول رده بندی به ثبات

و شرایط پایدار برسد.»

پاشا زاده ضمن اشاره به اسکودا تیم استقلال، گفت: «به نظر من استقلال در برخی پست ها از جمله دروازه نیاز به تقویت دارد. همچنین تیم هنوز یک مهاجم نوک تمام کننده و گلزن پیدا نکرده است. البته با راهایی آشورماتوف از مصدومیت یک مقدار خط دفاع تیم منظم تر شده اما این تیم یک هافبک دفاعی کار بلد و متخصص هم می خواهد. این تیم باید بالاس شود اما باز هم از لحاظ مهره یا اسکودا، در شرایط مناسبی است.» او درباره بازگشت سایپنتو به کنار خط و تاثیر آن روی نتایج استقلال نیز تاکید کرد: «شکی وجود ندارد وقتی سرمربی لب خط باشد به مراتب بهتر و راحت تر تیمش را هدایت می کند تا اینکه بخواهد از روی سکوها این کار را انجام دهد. سایپنتو مربی پر جنب و جوشی است و امیدوارم در بازی های سخت و بزرگ تر بتواند خودش را کنترل کند تا محروم نشده و استقلال متضرر نشود. این موضوع بسیار مهمی است که در دوره قبلی حضور این مربی در ایران به خودش و استقلال آسیب زد. تیم های رقیب هم متوجه این نقطه ضعف شده و با توجه به اینکه می دانستند، نقطه جوش سایپنتو پایین است و زود عصبی می شود با برنامه وارد زمین شده و کاری می کردند کارت زرد بگیرد یا اخراج شود. در مجموع من بازگشت سایپنتو به روی نیمکت استقلال را به نفع این تیم می بینم.»

از مدافع سابق تیم ملی و استقلال درباره احتمال جدایی ژاپن از کنفدراسیون فوتبال آسیا پرسیدیم که پاسخ داد: «آسیا و فوتبال آن برای ژاپنی ها کوچک شده است. AFC برای ما کعبه آمال شده در حالی که ژاپنی ها به درستی متوجه لایه ها، فساد و اهدای میزبانی های کیلویی از سوی کنفدراسیون فوتبال آسیا به قطر و عربستان شده اند. ژاپن به قدری رشد کرده که می تواند برزیل را ۳ بر ۲ شکست دهد در حالی که ابتدا با ۲ گل عقب افتاده بود. اگر این تیم به فینال جام جهانی ۲۰۲۶ رسید خیلی متعجب نکند! ما من مثل بقیه از سخت افزار و امکانات ژاپنی ها نمی گویم چون بحث تکراری است اما ما باید در فوتبال ژاپنی فکر کنیم و حداقل یک مقدار برنامه داشته باشیم. ما استعداد و نیروی انسانی داریم اما برنامه و مدیریت متأسفانه نداریم.»

کاپیتان سابق استقلال می گوید این تیم باید در نتیجه گرفتن به شرایط پایدار برسد. یکی از دیدارهای حساس هفته سوم، بازی استقلال و مس رفسنجان بود. دیداری که با تک گل یاسر آسانی با برتری یک بر صفر شاگردان ریکاردو سایپنتو به اتمام رسید. در همین ارتباط با مهدی پاشا زاده صحبت کردیم. او اظهار کرد: «به نظر من فیفادی مهرماه به نفع استقلال تمام شد. از یک طرف غیر از رامین رضاییان بازیکن دیگری به تیم ملی دعوت نشد و از طرف دیگر مصدومان این تیم مثل صالح حمدانی رسیدند.»

او ادامه داد: «کنته مهم دیگر آمده تر شدن بازیکنانی نظیر منیر الحدادی بود. همینطور آشورماتوف و یکسری از بازیکنان از فرصت فیفادی استفاده کرده و با تمرینات جدی تر خود را به بقیه رساندند.

به همین خاطر است که می گویم تعطیلات مسابقات لیگ به سود استقلال و سایپنتو شد.» پیشکسوت استقلال در خصوص نشست خبری سایپنتو پس از پیروزی مقابل مس رفسنجان و ابراز رضایت شدید این مربی از شاگردانش نیز گفت: «من هم مثل همه استقلال ها، از این پیروزی خوشحالم. تیم تحت فشار زیادی بود و به یک برد نیاز داشت اما نباید تیم بزرگ استقلال با یک پیروزی از خود بی خود شود. استقلال تیم بزرگی است که همه انتظار صدرنشینی و قهرمانی از آن دارند. اینکه ما با یک پیروزی برابر تیم مس رفسنجان که در جدول لیگ هم با همه احترامی که برای این تیم قائلم شرایط خوبی ندارد، نباید جشن بگیریم. استقلال تیم بزرگی است که همیشه باید برنده باشد همانطور که همه از رئال مادرید یا بایرن مونیخ انتظار برد دارند. همین امسال تیم بایرن مونیخ شرایط بسیار خوبی دارد اما کمپانی ذوق زده نمی شود و خیلی منطقی به دنبال اهداف بزرگ تر است.»

او همچنین ادامه داد: «زمانی که ما در استقلال بازی می کردیم این تیم نه در تهران و ایران بلکه در آسیا دنبال جام قهرمانی بود. من از ۱۷ سالگی از جوانان استقلال به پیراهن

حوادث

دو برادر به اتهام قتل مادرشان پای میز محاکمه رفتند

مادر بزرگ از خون نوه اش گذشت



فاطمه شیخ علیزاده
ذخیر حوادث

اواسط سال ۱۴۰۱ بود که اهالی یکی از محله های اسلامشهر در تماس با ماموران پلیس خبر هولناکی را مخابره کردند. در تماس همسایه ها مشخص شد زن حدودا ۰۵ ساله ای به نام پروانه در خانه مسکونی خودش با اصابت ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده بود.

با این تماس خیلی سریع کارآگاهان پلیس آگاهی به همراه تیم جنایی در محل وقوع جنایت حاضر شدند و مشخص شد یکی از همسایه ها به شوهر پروانه زنگ زده و گفته بود: «در خانه نشسته بودم که زنگ آیفون خانه مان را زدند. همین که گوشی را جواب دادم پسر پروانه گفت مادرم را کشتیم! او این را گفت و فرار کرد. من سراسیمه به سمت راه پله های منتهی به آپارتمان محل سکونت شما دویدم و دیدم لای در باز است. قلمب تند تند می زد و وقتی از لای در چشمم به جسد غرق در خون پروانه افتاد دیگر چیزی نفهمیدم و فقط جیغ می کشیدم.»

تیم بررسی صحنه جرم در مشاهدات ابتدایی خود اعلام کردند که آثار شکستگی قفل و ورود به عنف در خانه پروانه وجود ندارد و این می توانست فرضیه آشنا بودن قاتل را رقم بزند. همچنین تیم تشخیص هویت پلیس آگاهی نیز در تن پیمایی اولیه وارد آمدن حدود ۸ ضربه کاری با جسم تیز و برنده را تأیید کردند. در ادامه روند قانونی، جسد با دستور بازپرس جنایی برای انجام معاینات و آزمایش های لازم به سردخانه پزشکی قانونی منتقل شد.

شناسایی متهمان

درحالی که بررسی ها و تحقیقات ابتدایی نشان می داد فرزندان پروانه آخرین کسانی بودند که با او ملاقات داشتند به دستور بازپرس جنایی هدف تحقیقات قرار گرفتند اما در همین حال مشخص شد که هر دو پسر جوان متواری هستند. همین کافی بود که فرزندان پروانه به عنوان مظنونین به قتل مادرشان تحت تعقیب قرار گیرند. سرانجام با اقدامات فنی و پلیسی دو برادر جوان دستگیر شدند. در ابتدا برادر بزرگتر به نام رامین شناسایی شد و سعی داشت از بیان محل مخفیگاه برادر کوچکترش طفره ببرد اما در نهایت مشخص شد که او برادر خود به نام شاهین را در منزل یکی از دوستانش مخفی کرده است. با دستگیری متهمان راز قتل پروانه به دست شاهین برملا شد و همچنین رامین به اتهام اخفای متهم به قتل بازداشت شد.

شاهین در اعتراف به قتل گفت: «روز حادثه به خانه مادرم



سارق مراکز درمانی در شهر ری با شلیک پلیس زمین گیر شد

با تلاش ماموران کلانتری ۱۳۱ شهرری، مردی که با شیوه ای خاص اقدام به سرقت از مراکز درمانی و مطب های پزشکی کرده بود، در عملیاتی غافلگیرانه شناسایی و دستگیر شد.

در پی دریافت چندین گزارش مشابه از سرقت تجهیزات و لوازم پزشکی از مراکز درمانی محدوده شهرری، رسیدگی به پرونده به صورت ویژه در دستور کار ماموران قرار گرفت. با بررسی های اولیه مشخص شد عامل این سرقت ها فردی جوان است که با دقت و برنامه ریزی قبلی، در زمان هایی که مراکز تعطیل بوده اند، وارد محل شده و وسایل باارزش از جمله دستگاه های پزشکی، دی وی آر دوربین های مدار بسته و موتور برق ها را سرقت می کرد.

به گفته سرهنگ حسین مافی، فرمانده انتظامی شهرستان ری، ماموران با انجام اقدامات اطلاعاتی و بررسی دوربین های مدار بسته موفق شدند چهره و هویت دقیق سارق را شناسایی کنند. پس از هماهنگی های قضایی، تیمی از ماموران عملیات کلانتری برای دستگیری متهم به محل اختفای او اعزام شدند. در جریان این عملیات، متهم هنگام فرار به اخطارهای ماموران بی توجهی کرد که با رعایت قانون به کارگیری سلاح، هدف تیراندازی قرار گرفت و زمین گیر شد. پس از دستگیری، در بازرسی از مخفیگاه او تعدادی از اموال مسروقه شامل تجهیزات برقی و پزشکی کشف و ضبط شد.

متهم که سابقه دار نیز هست، در بازجویی های انجام شده به پنج فقره سرقت از مراکز درمانی اعتراف کرد. پرونده این فرد پس از تکمیل تحقیقات برای رسیدگی قضایی به مرجع مربوطه ارجاع شد.

